

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۵ (پیاپی ۲۲) بهار ۸۸

### مقدمه ای بر منظومات (شعر تعلیمی) عصر عباسی\*

(علمی - پژوهشی)

سید مرتضی حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم سبزوار

### چکیده

شعر تعلیمی از لحاظ ویژگیهای فنی با شعر برخاسته از احساس و خیال متفاوت است. قالب آن شعر، و محتوای آن علم است. نه عنصر خیال و عاطفه شعر را داراست و نه گستردگی و دقت علم را؛ اما این بدان معنا نیست که خالی از فایده نیز هست؛ زیرا اولین و اصلی ترین ویژگی آن، حفظ و نگهداری علوم از آفت فراموشی است. میراث قدیم ادبیات عربی در بردارنده این نوع از انواع شعر نیست و باید ریشه های آن را در دوران امویان جستجو کرد. شاعران و علمای عصر عباسی با استمداد از منظومه های اموی و به فضل اطلاع یافتن از گنجینه های ادبی و علمی ملتهای دیگر، باعث شکوفایی شعر نظم شدند. شمار منظومات بسیار است تا جایی که فهرست آنها توسط مجلدی بزرگ قابل ذکر است.

کلید واژه ها: شعر تعلیمی، عصر عباسی،

### مقدمه

شعر تعلیمی، یکی از اقسام چهارگانه شعر - شعر وجدانی (غنائی)، شعر تمثیلی، شعر قصصی (ملحمی)، شعر تعلیمی - است (ضیف، ۲۰۰۳: ۱۸۹). شعر تعلیمی که بیان کننده مطالب و مضامین علوم متنوع مانند علوم عربی (صرف و نحو و عروض و لغت و بلاغت و...)، علوم دینی (تفسیر و فقه و حدیث و تجوید و...)، تاریخ و شرح حال نویسی، ستاره شناسی، شیمی، پزشکی، زیست شناسی و بیان کننده دیدگاه های حکما و متصوفه و فلاسفه و اهل منطق است و از خیال و عاطفه بکلی جداست.

منظومات یا همان متون<sup>(۱)</sup> منظوم، که جزئی از تاریخ ادبیات عربی را به خود اختصاص داده است در نتیجه ارتباط میان شعر و علم در اواخر حکومت امویان و در عصر

عباسی پدیدار شد (یعقوب، ۱۴۱۱: ۸۷) و نیاز مبرم به حفظ علوم را باید جرقه این ظهور دانست؛ چرا که یکی از کارآمدترین شیوه های آموزشی، آموزش با شعر است؛ زیرا به ذهن سپردن مطالب منظوم زودتر حاصل می شود و هیچ گاه تازگی و طراوت خود را از دست نمی دهد. این نوع شعر در ادبیات ملتهای دیگر نیز به چشم می خورد، اما نباید پیدایش منظومه های عربی را، فقط نتیجه تأثیر آنها از میراث ملل دیگر، که اکثرا در زمان عباسیان به عربی ترجمه شده، دانست؛ بلکه دگرگونی زندگی علمی و ادبی مسلمانان (از صدر اسلام تا آغاز عصر عباسی) و نیاز شدید جامعه آن روزگار به حفظ علوم، عامل اصلی این امر محسوب می شود. هم چنین تأثیر عامل آرامش نسبی زندگی مسلمانان پس از پایان کشورگشاییها، که به برکت آن از میراث گرانبهای علم و ادب ملتهای فتح شده آگاهی یافتند، را نباید از یاد برد (علی محمد، ۱۴۱۷).

### پیدایش شعر تعلیمی

میراث ادبی قدیم عرب (عصر جاهلی) با این نوع از انواع شعر بیگانه است. (ضیف، ۲۰۰۳: ۱۹۰). اما در ادبیات قدیم دیگر ملل مانند هند و یونان و روم نمونه هایی از این نوع نظم به چشم می خورد؛ مثلا در ادبیات کهن یونان، می توان به دو قصیده «الأعمال و الأیام» و «أنساب الآلهه»<sup>(۲)</sup> شاعر بزرگ یونانی، هزبود (قرن ۸ ق.م) اشاره کرد (وافی، ۱۹۷۹: ۹۹؛ ضیف، ۲۰۰۳: ۱۸۹). در ادبیات کهن روم نیز قصیده «طبیعه الأشياء» لاکرتیوس (۹۸-۵۵ ق.م) و هم چنین قصیده «فن الشعر» هوراس<sup>(۳)</sup> از مثالهای برجسته این گونه شعری است (فهیم، ۱۹۸۶: ۴۷؛ ضیف، ۲۰۰۳: ۱۸۹)؛ اما این مسئله که ریشه پیدایش شعر تعلیمی در ادبیات عربی متأثر از چه فرهنگی بوده است، مورد اختلاف نویسندگان و پژوهشگران عرب است. احمد امین و شکری فیصل ظهور این پدیده را ناشی از تأثیر فرهنگ و تمدن هند بر ادب عصر عباسی می دانند (امین، ۱۹۹۷: ۲۶۳/۱؛ فیصل، بی تا: ۱۰۹؛ هداره، ۱۹۷۰: ۳۵۵) و عده ای هم تأثیر فرهنگ و تمدن یونان را عامل اصلی در ظهور شعر نظم عربی بر شمرده اند (الجواری، ۲۰۰۶: ۲۵۰). درباره مبتکر این فن و عصر آن نیز اختلاف وجود دارد. کسانی مانند دکتر طه حسین، ابان بن عبدالحمید لاحقی (ف ۲۰۰ هـ)<sup>(۴)</sup> را مبتکر این فن در ادب عربی برمی شمارند. طه حسین در دو کتاب خود «من حدیث الشعر و النثر» و «حدیث الأربعاء» می گوید: «چنین به نظر می رسد که ابان اولین کسی

است که به این فن پرداخته است" (حسین، ۱۹۷۵: ۱۶۰؛ حسین، ۱۹۷۴: ۲/۲۱۲). هم چنین "او امام طائفه بی شماری از ناظمین و مبتکر فنی در ادب عربی است که کسی قبل از او به آن نپرداخته، و آن فن شعر تعلیمی است (همان: ۲/۲۲۰). دکتر شوقی ضیف در این باره نظر متناقضی را ارائه می کند. او در کتاب «العصر العباسی الأول»، شعر تعلیمی را به شاعران عصر عباسی نسبت می دهد و می نویسد: "فنی است که شعرای عباسی آن را به وجود آوردند و دارای منشأ قدیمی نیست" (ضیف، ۲۰۰۴: ۱۹۰). در حالی که در کتاب دیگر خود «التطور و التجدید فی الشعر الأموی» نظر متناقض دیگری بیان می کند و ارجوزه های<sup>(۵)</sup> رجّاز عصر اموی و بویژه ارجوزه های عجّاج و پسرش رُبه را که متون لغوی هستند، اولین اشعار تعلیمی ادبیات عربی بر می شمارد: "ارجوزه اموی، اولین شعر تعلیمی است که در زبان عربی ظاهر شد" (ضیف، ۱۹۷۸: ۳۱۹). "ما اطمینان داریم که این ارجوزه سرایان و در مقدمه ایشان رُبه، همان کسانی هستند که شعرای عباسی را، نه فقط برای شعر تعلیمی، بلکه برای اقتباس [الفاظ و معانی] غریب در اشعارشان آماده کردند. ارجوزه اموی بر شعرای عصر عباسی سرودن شعر تعلیمی را الهام کرد؛ هم چنانکه بر اصحاب نثر، مقامه نویسی را الهام کرد" (همان، ۳۵۲-۳۵۳). دکتر محمد مصطفی هداره با نظر شوقی ضیف در کتاب «التطور و التجدید فی الشعر الأموی» مخالفت می کند و صراحتاً و بدون هیچ شک و تردیدی بروز این پدیده را به قرن دوم هجری و عصر عباسی مربوط می داند: "یکی از گرایشهای جدید، که پیدایش آن به قرن دوم هجری باز می گردد، فن تعلیمی است که شاعران آن را برای نظم انواع گوناگون علوم و معارف به دلیل ساده سازی حفظ آنها به کار بردند. شکی نیست که ظهور این فن با گسترش انواع علوم و معارف و فزونی گرایش بر تعلیم و تعلم در قرن دوم هجری همراه بوده است و به همین دلیل ممکن نیست که فن تعلیمی قبل از این قرن در شعر عربی شکل گرفته باشد" (هداره، ۱۹۷۰: ۳۵۴). از دیدگاه عزالدین اسماعیل فن تعلیمی "أفق جدیدی است که شعر برای اولین بار در عصر عباسی وارد آن شد" (إسماعیل، ۱۹۷۵: ۴۰۷).

هر چند بیشتر صاحب نظران نامبرده، شعر تعلیمی را زاییده ادبیات عباسی می دانند، باید به این نکته اشاره کرد که عصر اموی در کنار ارجوزه های لغوی در بر دارنده اشعار تعلیمی نیز هست؛ به عنوان مثال، دیوان امیر خالد بن یزید بن معاویه ملقب به حکیم آل

مروان (ف ۹۰هـ) در زمینه علوم عقلی (ریاضیات و طبیعیات) با عنوان «فردوس الحکمه» که بالغ بر ۲۶۰۰ بیت است در موضوع علم کیمیا (شیمی) سروده شده است<sup>(۶)</sup> (المسعودی، ۱۹۴۸: ۲۵۸/۴)؛ ولی باید گفت که در عصر عباسی<sup>(۷)</sup> بیشتر ادیبان و علماء و شاعران به سوی شعر نظم میل کردند و در نتیجه آن پدیده ادبی مهمی همچون متون منظوم (منظومات) به شکوفایی رسید (علی محمد، ۱۴۱۷).

از اولین شاعران این دوره، که به نظم وقایع و اخبار بویژه درباره حضرت علی و خاندانش (ع) همت گماشت، سید حمیری (ف ۱۷۳هـ) است<sup>(۸)</sup>. پس از او یکه تاز این میدان، کسی جز ابان بن عبدالحمید لاحقی (ف ۲۰۰هـ) نمی تواند باشد؛ کسی که در این فن مهارت خاصی داشت و از دیدگاه دکتر طه حسین، مبتکر اصلی فن تعلیمی در ادبیات عربی است.

### منظومات و موضوعات آن

متون علمی به دو نوع تقسیم می شود:

۱) متن منثور که بیشتر متون موجود و در دسترس از این قبیل است؛ مانند «مقدمه فی النحو» خلف احمر بصری (ف ۱۸۰هـ) که اولین متن منثور نحوی به شمار می آید و یا «الکافی» (نحو) ابن حاجب (ف ۶۴۶هـ) که بیشتر از ۱۵۰ شرح بر آن نوشته شده است.

۲) متن منظوم یا «منظومه»<sup>(۹)</sup> که غالباً در بحر رجز است و خود به دو نوع تقسیم

می شود:

الف - منظومه ای که نظم یک متن منثور است؛ مانند «الوافیه فی نظم الکافی» (نحو) ابن حاجب و «الوافیه نظم الشافیه» نیشابوری و نظم کتب «کلیله و دمنه» و «سیره اردشیر» و «سیره انوشروان» و «بلوهر و بردانیه» و «حُلم الهند» توسط ابان بن عبدالحمید لاحقی (ابن الندیم، بی تا: ۱۳۲).

ب - منظومه ای که نظم متن منثور نیست، بلکه از ابتدا در موضوع معینی به نظم در آمده است؛ مانند «المنظومه النحویه» خلیل بن احمد فراهیدی (ف ۱۷۵هـ) (الفراهیدی، ۲۰۰۰)؛ ارجوزه اسحاق بن خلف بهرانی (نحو) (الحصری، ۱۹۵۳: ۲/ ۷۲۰)؛ ارجوزه کسایی (ف ۱۸۹هـ) (نحو) (ابن الجراح، بی تا: ۲۶)؛ منظومه حکم بن عمرو بهرانی (جانور شناسی) (الجاحظ، ۱۹۶۷: ۸۰/۶)؛ منظومه «ذات الحلل» ابان بن عبدالحمید لاحقی<sup>(۱۰)</sup>

(آغاز خلقت و منطق) (الخطیب البغدادی، ۱۹۹۷: ۴۷/۷)؛ مزدوجه رقاشی (ف ۲۰۷هـ) (لهو و مجون) (ابن المعتز، ۲۰۰۲: ۲۰۶)؛ ارجوزه «الصادح و الباغم» ابن هباریه (ف ۵۰۴هـ) (در دو هزار بیت با موضوع حکمت و اخلاق و سیاست به اسلوب کلیله و دمنه) و نظم کتاب «کلیله و دمنه» با عنوان «نتائج الفطنه فی نظم کلیله و دمنه» توسط وی (الصفدی، ۲۰۰۰: ۱۱۹/۱)؛ مزدوجه محمد بن ابراهیم فزاری (اخترشناسی) (همان، ۲۵۱/۱)؛ ابن الندیم، بی تا: ۳۳۲)؛ منظومه جرمی (تاریخ) (ابن الأثیر، ۱۹۸۷: ۳۹۶/۵)؛ مزدوجه «المحبره» علی بن جهم (ف ۲۴۹هـ) (تاریخ خلقت آدم تا عصر ناظم) (ابن الجهم، بی تا: ۱۵۷ و ۲۲۷)؛ مزدوجه ابن معتز (ف ۲۹۶هـ) (تاریخ حوادث دوراننش) (ابن المعتز، ۱۹۶۱: ۴۸۱)، و نیز ارجوزه «ذم الصبوح» وی (مجون) (ابن الندیم، بی تا: ۱۳۰)؛ منظومه بشر بن معتمر معتزلی (ف ۲۱۰هـ) (عقاید معتزله) <sup>(۱۱)</sup> (الجاحظ، ۱۹۶۷: ۲۸۴/۶-۲۹۱)؛ الفیه و منظومات پزشکی منسوب به ابن سینا (ف ۴۲۸هـ) (البابا، ۱۹۸۴)، و نیز «المزدوجه» (منطق) وی (ابن سینا، ۱۴۰۵: ۱-۱۸)؛ «المقصد الجلیل فی علم الخلیل» ابن حاجب (عروض)، (ابن العماد، ۱۹۸۹: ۲۳۴/۵) و همچنین «القصیده الموشحه بالأسماء المؤنثه» وی (مؤنثهای سماعی) (همان، ۲۳۴/۵)؛ ارجوزه احمد بن منصور یشکری (ف ۳۷۰هـ) (نحو) (السیوطی، ۱۳۶۱: ۱۲۳/۱)؛ الطنحی، ۲۰۰۲: ۱۳۹/۱)؛ «ملحه الإعراب و سنخه الآداب» (نحو) تالیف قاسم بن علی حریری (ف ۵۱۶هـ) صاحب مقامات مشهور (السیوطی، ۱۹۶۴: ۲۵۹)؛ ارجوزه احمد بن عبدالعزیز شتتمری (نحو) (همان، ۳۲۵-۳۲۶)؛ ارجوزه حسین بن احمد بن خیران بغدادی (ف ۶۰۰هـ) (نحو) (همان، ۵۳۱/۱)؛ منظومه «المقصود و الممدود» (صرف) تألیف ابن درید (ف ۳۲۱هـ) (الحموی، ۱۹۳۶: ۱۳۶/۱۸) و صدها منظومه دیگر که می توان آنها را برشمرد.

پس موضوعات منظومه ها که هدف اصلی آن، ساده کردن فرایند یادگیری است، عقاید فرقه ای و مذهبی، حوادث تاریخی، انساب و سیره ها، قواعد علوم و فنون و صناعات مختلف را شامل می شود.

برای آگاهی بیشتر از ویژگیها و فواید اشعار تعلیمی و منظومه هابه صورت اختصار به چهار منظومه برجسته و مهم این عصر اشاره می شود:

#### ۱. «المنظومه النحویه» خلیل بن احمد فراهیدی (علم نحو)

می توان گفت تألیف منظومات نحوی از زمان تأسیس علم نحو عربی تا عصر حاضر همچنان ادامه یافته است. در این بین برخی از آنها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و شهرت پیدا کرده است؛ مانند «ألفیه» ابن مالک و «ألفیه» ابن معط و «ألفیه» سیوطی و برخی که به دست فراموشی سپرده شده است. یکی از برجسته ترین منظومات که مورد ظلم واقع شده و اولین منظومه نحوی در تاریخ این علم شمرده می شود، «المنظومه النحویه» خلیل بن احمد فراهیدی (قرن دوم هجری) واضع علم عروض عربی است. در صحت نسبت این اثر به خلیل، پژوهشگرانی شک ورزیده اند؛ اما دکتر احمد عقیقی در مقدمه تحقیق خود با دلایل محکم و متقن (با نقد داخلی و خارجی منظومه) نسبت آن را به مؤلف اثبات می کند و آن را موثق می داند (الفراهیدی، ۲۰۰۰: المقدمه). ابیات منظومه بالغ بر ۲۹۳ بیت است که در بحر کامل تام (شش متفاعلن) سروده شده اند. ناظم قبل از اینکه وارد بحث اصلی شود، مقدمه ای با مضمون حمد الهی و درود بر پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) ایراد می کند:

الحمد لله الحمید بمنه اولی و افضل ما ابتدأت و اوجب  
 حمدا یكون مبلغی رضوانه و به اصیر الی النجاه و أقرب  
 و علی النبی محمد من ربه صلواته و سلام ربهی الأطیب...<sup>۱</sup>

پس از آن وارد مبحث اصلی می شود و از ابواب نحو عربی با اسلوبی ساده و به دور از پیچیدگی سخن می گوید:

فاذا نطقت فلا تکن لحانه فیظل یسخر من کلامک معرب  
 النحو رفع فی الکلام و بعضه خفض و بعض فی التکلم ینصب...<sup>۲</sup>  
 و در ابیات پایانی منظومه، علم نحو را این گونه توصیف می کند:

النحو بحر لیس یدرک قعره و عر السبیل عیونه لا تنضب...<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - سپاس خداوند ستوده را که از برای منتش، سزاوارترین و برترین و واجبتترین امر آغاز کلام، حمد اوست. سیاسی که رضایتش هدف است و با آن به سوی نجات حرکت می کنم و به او نزدیک می گردم و درود و سلام نیکوی پروردگار بر پیامبرش محمد (ص) باد.

<sup>۲</sup> - هر آن گاه که سخن گفتی، سعی کن که در کلامت پر خطا نباشی؛ چرا که غیر عرب کلامت را به سخره خواهد گرفت. علم نحو مرفوع و مجرور و منصوب کردن برخی از کلام است.

## ۲. « القصیده المزدوجه » ابن سینا (علم منطق)

این منظومه با عناوین متفاوتی مثل «الرجز المنطقی، القصیده المزدوجه، میزان النظر، أرجوزه فی المنطق» از سروده های ابن سینا (ف ۴۲۸ هـ) است که ۲۹۸ بیت است. شیخ در گزگان این ارجوزه را برای ابوالحسن سهل بن محمد سهلی سروده است (ابن ابی اصیبعه، بی تا: ۴۵۷). موضوع منظومه، علم منطق و مباحث کلی آن (نقیض و عکس و قیاس و استقرا و تمثیل و جدل و...) است (علی محمد، ۱۴۱۷). مقدمه آن بمانند منظومات دیگر با حمد و سپاس خداوند و درود بر پیامبر مکرمش (ص) آغاز می شود. وی علم منطق را در ابیات نخستین این گونه معرفی می کند (ابن سینا، ۱۴۰۵: ۳):

و هذه الآله علم المنطق      منه إلى جلّ العلوم يرتقی  
میراث ذی القرنین لما سألأ      وزیره العالم حتی یعملا...<sup>۲</sup>

در ادامه به شرح قضایای علم منطق می پردازد (همان، ۴):

اللفظ إما مفرد فی المبنی      لیس لجزء منه جزء المعنی...<sup>۳</sup>

و قصیده اش را با این بیت، ختم می کند (همان، ۱۸):

فلنختم الآن الكتاب ختما<sup>(۱۲)</sup>      فقد نظمنا العلم فیہ نظما<sup>۴</sup>

## ۳. «الألفیه الطبییه أو الأرجوزه الکبری» ابن سینا (علم پزشکی)

مهمترین ارجوزه های پزشکی<sup>(۱۳)</sup> منسوب به ابن سینا را می توان این موارد دانست (البابا، ۱۹۸۴):

۱- «أرجوزه فی الوصایا الطبییه» (۷۱ بیت) با مطلع

أول یوم تنزل الشمس الحمل      تشرّب ماء فأترا علی عجل...<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - علم نحو دریایی است که عمق آن قابل درک نیست و مسیر آن صعب العبور و دشوار است و چشمه های آن خشک و بی آب نمی گردد.

<sup>۲</sup> - این ابزار علم منطق است که توسط آن، بشر به تمامی علوم دست می یابد. میراث ذوالقرنین است؛ آن زمان که از وزیر دانشمندش خواست تا درباره آن اقدام کند.

<sup>۳</sup> - لفظ یا مفرد است از نظر مبنایی که در این صورت برای جزئی از آن معنایی نیست.

<sup>۴</sup> - اکنون این کتاب را که در آن علم منطق را به نظم در آوردم به پایان می رسانم.

<sup>۵</sup> - اولین روزی که خورشید حمل آشکار شد، بلافاصله آبی نیمگرم می نوشی.



۲- «أرجوزه فی التشریح» (۱۶۸ بیت) با مطلع

الحمد لله على تهذيبي وعاصمي من أمم تهذي بي...<sup>۱</sup>

۳- «أرجوزه فی المجربات الطيبه» (۲۵۲ بیت) با مطلع

بدأت بسم الله في النظم الحسن اذكر ما جربته طول الزمن...<sup>۲</sup>

۴- «أرجوزه فی تدبير الصحه» (۱۴۰ بیت) با مطلع

الحمد لله اللطيف الكافي الواحد الفرد الحكيم الشافي...<sup>۳</sup>

۵- «أرجوزه فی الفصول التي فيها تناول الطعام» (۱۱۸ تا ۱۴۶ بیت) با مطلع

يقول راجي ربه ابن سينا ولم يزل بالله مستعينا...<sup>۴</sup>

اما الفیه پزشکی معروف وی در بردارنده ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۴ بیت است. این الفیه در نوع خود حائز اهمیت، و از دیگر ارجوزه های پزشکی ابن سینا مشهورتر و طولانی تر است. در واقع این ارجوزه، مختصری بر کتاب «قانون» معروف وی در علم پزشکی است. الفیه ابن سینا مورد اهتمام بسیاری از علما قرار گرفته و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است که شرح فیلسوف و طبیب اندلسی ابن رشد (ف ۵۹۵هـ) صاحب کتاب پزشکی معروف «الکلیات» از مهمترین آنهاست (الصفدی، ۲۰۰۰: ۸۲/۲). ابن سینا ارجوزه خود را با حمد و ثنای الهی آغاز می کند (البابا، ۱۹۸۴: ۹):

الحمد لله الملك الواحد رب السماوات العلى الماجد

سبحانه منفرداً بالقدم مخرج موجوداتنا من عدم...

والشعراء أمراء اللسن كما الأطباء ملوك البدن

هذه أرجوزه قد اكتمل فيها جميع الطب علم و عمل...<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - سپاس خدای را به سبب ادب آموختنم و او که مرا از ملتهایی که درباره ام هذیان می گویند، حفظ می کند.

<sup>۲</sup> - با نام خدا نظم نیکویی را آغاز کردم و در آن، آنچه را در طول زمان تجربه کرده ام، بیان می کنم.

<sup>۳</sup> - سپاس خداوندی را که لطیف و کفایت کننده و یکتا و حکیم و شفا دهنده است.

<sup>۴</sup> - ابن سینا که امید به پروردگارش دارد و پیوسته از او یاری می طلبد، این چنین می گوید.

<sup>۵</sup> - سپاس خدایی را که فرمانروا و یکتاست؛ پروردگار آسمانهاست و بلند مرتبه و صاحب مجد؛ منزه است او که در قدمت بی همتاست و موجودات را از نیستی خارج کرد و به آنان حیات بخشید. شاعران امیران سخند چنانکه پزشکان پادشاهان جسمند. این ارجوزه ای است که در آن تمام علم پزشکی به صورت نظری و عملی کامل گردیده است.



سپس وارد مباحث پزشکی می شود و ارجوزه را به دو بخش اصلی تقسیم می کند: بخش نظری (شامل سه فصل) و بخش عملی (شامل دو فصل). ابن سینا در ابیات آغازین الفیه خود، این تعریف را برای طب ارائه می کند (همان، ۹):

الطبّ حفظ صحّه برء مرض من سبب فی بدن منذ عرض...<sup>۱</sup>

ملاحظه می شود که ابن سینا در این بیت اقسام پنج گانه پزشکی را نام برده است: الأسباب (الایتولوجیا) و علم المرض (الباثولوجیا) و الأعراض (منذ عرض) و الوقایه (حفظ الصحه) و العلاج (برء) (الروبی، ۱۹۶۸: ۱۴۸). در بخش عملی ارجوزه از اصول تدبیر طفل در مراحل مختلف (تدبیر دوره جنینی و درد زایمان و اختیار دایه و پرورش وی و...) سخن به میان آمده، و بخش خاصی نیز به معرفی داروها اختصاص داده شده است:

الطفل یحفظ بیطن أمه      کی لا یُصیب آفه فی جسمه  
واختر له المرضع من فتاه      فی سنّها من متوسطات...<sup>۲</sup>

#### ۴. «المحبّره» ابن جهّم (علم تاریخ)

علی بن جهّم بن بدر (ف ۲۴۹هـ) شاعر عباسی، اولین شخصی است که تاریخ اسلامی را به نظم در آورده است (نور الدین، ۱۹۹۰: ۱۲۹). وی اولین شاعری است که در زمینه نظم تاریخ، بابتی را گشود و پس از او کسانی مانند ابن معتز و ابن عبد ربه و ابوطالب عبدالجبار اندلسی وارد این میدان شده اند (ابن الجهم، بی تا: ۳۹). محبّره بالغ بر ۳۰۸ بیت، و به ابن جهّم منسوب است. ناظم در آن از ابتدای آفرینش و زندگی پیامبران و خلفا تا روزگار خود یعنی خلافت مستعین عباسی (ف ۲۴۸هـ) سخن به میان آورده است. مسعودی (ف ۳۴۶هـ) در کتاب «مروج الذهب» (المسعودی، ۱۹۴۸: ۳۵/۱) ابیاتی از این منظومه را ذکر کرده است. محبّره با سپاس الهی و درود بر پیامبر (ص) آغاز می شود (ابن الجهم، بی تا: ۱۵۷ و ۲۲۸):

الحمدُ لله المعید المبدی      حمداً کثیراً و هو أهلُ الحمد  
ثمّ الصلاه أولاً و آخراً      علی النبی باطناً و ظاهراً...<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - علم طب، پیشگیری و علاج مرضی است که به دلیلی در بدن آشکار شده است.

<sup>۲</sup> - طفل در شکم مادرش محفوظ است تا به آفت و بیماری جسمی مبتلا نگردد. برای طفل متولد شده دایه ای جوان که سن متوسط دارد اختیار کن.

سپس موضوع اصلی منظومه ذکر می شود (همان، ۱۵۷ و ۲۲۸):

یا سائلی عن ابتداء الخلق	مسأله القاصد قصد الحق
أخبرتنی قوم من الثقات	أولو علوم و أولو هیئات
تقدّموا فی طلب الآثار	و عرفوا حقائق الأخبار
و فهموا التوراه و الإنجیلا	و أحكموا التنزیل و التأویلا
أنّ الذی یفعل ما یشاء	و من له العزه و البقاء
أنشأ خلق آدم إنشاء	و قدّ منه زوجة حواء... <sup>۲</sup>

ابن جهم همچون علما در بیان وقایع به ذکر سند تکیه می کند و به توثیق مطالب می پردازد (علی محمد، ۱۴۱۷). تردیدی نیست که محبّه از ارزش بسیار زیادی برخوردار است؛ زیرا حوادث مشهور را از آغاز خلقت تا زمان ناظم به صورت ساده به تصویر می کشد: از خلقت آدم و حوا و حکایت تک تک پیامبران و ذکر تاریخ عرب و عجم قبل از ظهور اسلام و پس از آن... تا دوران ابن جهم. ناظم در بخش تاریخ اسلامی - از آغاز زندگی رسول اکرم (ص) تا زمان حیاتش - حوادث را به شکل مفصلتری شرح می دهد؛ اما به بیان اختصار گونه تاریخ فرس و روم می پردازد (همان، ۱۴۱۷). در بخش تاریخ اسلامی ارجوزه از نابودی شرک و ظلمتی که امتها را فرا گرفته بود و با ظهور اسلام محو گشت و نیز از رسالت پیامبر (ص) و دشمنی اهل مکه و هجرت ایشان به مدینه و خلافتی پس از حضرت، سخن به میان می آورد:

ثم أزال الظلمه الضیاء و عاودت جدّتها الأشياء  
 أتاهم المنتجب الأواه محمد صلی علیه الله...  
 و قام من بعد أبی بکر عمر و علوم انسانی و مطالعات تربیتی  
 فبرزت آیامه تلك الغرر

<sup>۱</sup> - سپاس بی شمار خداوندی را که بازگرداننده و آغاز کننده است اوست که شایسته ستایش است. پس از آن درود ازلی و ابدی و ظاهری و باطنی بر پیامبر او (ص) باد.

<sup>۲</sup> - ای فردی که از ابتدای خلقت پرسش می کنی، پرسش قصد کننده قصد حق است. گروهی از موثقان دانشمند و اختر شناس به من این گونه خبر دادند - کسانی که در جستجوی آثار گذشتگان پیشگام شدند و حقایق اخبار را شناختند و تورات و انجیل را فهمیدند و قرآن را به طور متقن فرا گرفتند - که آن خداوندی که هر آنچه بخواهد انجام می دهد و عزت و بقا برای اوست، آدم را به بهترین شکل آفرید و از او همسرش حوا را جدا کرد.

تضعضت منه ملوک فارس و خرت الروم علی المعاطس...<sup>۱</sup>

سپس به عصر بنی امیه می پردازد و یک یک خلفا را بر می شمرد و ذکر حوادث می کند و بر یزید می تازد و عمر بن عبدالعزیز را مدح می کند. بر همین منوال از خلفای عباسی تا روزگار خود ذکر واقعه می کند (ضیف، ۲۰۰۱: ۲۴۸).  
وجه تمایز این اثر از دیگر نظایر تاریخی آن در ارتباط و ترتیب مطالب تاریخی، قابل مشاهده است (علی محمد، ۱۴۱۷). وی منظومه را این گونه ختم می کند (ضیف، ۲۰۰۱: ۲۵۰):

فَنَحْنُ فِي خِلَافَةِ مُبَارَكَةٍ      خَلَّتْ عَنِ الْإِضْرَارِ وَالْمَشَارِكِ  
فَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ إِنْعَامِهِ      جَمِيعُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ أَحْكَامِهِ  
ثُمَّ السَّلَامُ أَوْلًا وَآخِرًا      عَلَى النَّبِيِّ بَاطِنًا وَظَاهِرًا

#### ۵. «المزدوجه» ابن معتز (تاریخ عصر عباسی)

منظومه «المزدوجه» ۴۱۸ بیتی به عبدالله بن معتز (ف ۲۹۶هـ) نسبت داده شده است (علی محمد، ۱۴۱۷). ابن معتز در این منظومه از معتضد عباسی (ف ۲۸۹هـ) و سیره و کارهای بزرگ او سخن می گوید و او را ستایش می کند و از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نابسامان حکومتهای قبلی می نالد (ضیف، ۲۰۰۱: ۲۴۹). وی آغازین بیت منظومه اش را به حمد و ثنای خداوند بلند مرتبه و درود بر پیامبر اکرم (ص) اختصاص می دهد (ابن المعتز، ۱۹۶۱: ۴۸۱):

بِاسْمِ الْإِلَهِ الْمَلِكِ الرَّحْمَنِ      ذِي الْعِزِّ وَالْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ آلائِهِ      أَحْمَدُهُ وَالْحَمْدُ مِنْ نِعْمَائِهِ

<sup>۱</sup> - سپس نور (حضرت محمد ص) ظلمت را از میان برد و امور به تازگی و رونق خود بازگشتند. آن فرد انتخاب شده و بسیار توبه کننده به نزد مردم آمد و او محمد (ص) بود. پس از ابوبکر، عمر به خلافت رسید و در دوران او آن درخششها آشکار گردید. توسط او پادشاهان فارس ضعیف و ذلیل شدند و بینی روم به خاک مالیده شد و به سجده افتادند.

<sup>۲</sup> - ما در زمان خلافت مبارکی به سر می بریم که در آن زیان و سهم شدن با غیر وجود ندارد. پس سیاس خداوند را به خاطر نعمتهایش که تمامی این امور از احکام و خواستههای اوست. سپس درود ازلی و ابدی و ظاهری و باطنی بر پیامبر مکرمش (ص) باد.

أبدع خلقاً لم يك فكانا      و أظهر الحجج و البياننا  
 وَ جَعَلَ الخَاتِمَ للنُّبُوَّةِ      أحمدَ ذا الشَّفاعةِ المَرْجُوَّةِ  
 الصادق المهدب المطهرا      صلى عليه ربنا فأكثرنا  
 مضى وأبقى لبني العباس      ميراث ملك ثابت الأساس...<sup>۱</sup>

و در ادامه، سیره ابو العباس معتضد، وضعيت خلافت قبل از او، هرج و مرج سیاسی و اجتماعی آن زمان، اعمال موفق عباسی، سرکوبی جنبش علویان، مصادره اموال مردم و هتک حرمت ایشان و دیگر موضوعات را به تصویر می کشد؛ به عنوان نمونه در ابیاتی از منظومه اش این چنین می گوید:

قام بأمر المُلک لما ضاعاً      و کان نهباً فی الوری مُشاعاً  
 مُذَلَّلاً لَیْسَتْ لَهُ مهابه      یخافُ إن طنَّتْ به ذُبابه  
 وَ کلَّ یومٍ مَلکٌ مَقْتولٌ      أو خائفٌ مَرَوِّعٌ ذلیلٌ  
 و کلَّ یومٍ شَعْبٌ و غَصْبٌ      و أنفُسٌ مَقْتوله و حربٌ...<sup>۲</sup>

ابن معتز به همین صورت، زندگی مسلمین را در حالی که به دوران هرج و مرج و اضطراب خود در تمامی سطوح بازگشته به نمایش در آورده است.<sup>(۱۴)</sup> برخی ناقدان و پژوهشگران مانند طه حسین، این اثر را در زمره شعر قصصی قرار داده اند (حسین، ۱۹۷۵: ۲۸۵) و نیز احمد امین درباره آن می گوید: "تصویری است کوچک از اسلوب حماسه هایی همچون الیاد و شاهنامه، که برخی کاستیهای شعر عربی را در این نوع، جبران کرده است" (امین، ۱۹۶۹: ۲۵/۱). شوقی ضیف نیز معتقد است که این ارجوزه از نظر بافت قوی آن و ساختار هماهنگ و نیز عاطفه واضح ناظم بر ارجوزه ابن جهم - که قبلاً به آن اشاره شد -

<sup>۱</sup> - به نام خداوند فرمانروا و مهربان که صاحب عزت و قدرت و سلطنت است. خدای را به سبب نعمتهایش سپاس می گویم. خلقتی را به وجود آورد در حالی که قبل از آن وجود نداشت و حجت و نشانه را نیز آشکار گرداند. حجت خود را که نامش محمد (ص) است و صاحب شفاعت آرزو شده است، ختم نبوت قرار داد. پیامبری راستگو و تربیت یافته و پاک که درود فراوان پروردگاران بر او باد. زمان او (ص) سپری شد و میراث پادشاهی مستحکمی را برای عباسیان باقی گذاشت.

<sup>۲</sup> - معتضد زمام خلافت را زمانی به دست گرفت که حکومت از بین رفته بود و در میان مردم، غارت و چپاول شایع شده بود. او شخصی ذلیل و خوار بود؛ کسی که هیبتی نداشت و از صدای مگس هم می ترسید. هر روز خلیفه ای کشته می شد یا شخصی ترسو و ذلیل بر سر کار می آمد؛ هر روز، غارت و مصادره اموال و کشتار و جنگ برقرار بود.

برتری دارد و هم چنین فاصله زیادی است بین آن و کتابهای تاریخی مانند تاریخ طبری؛ چرا که از طریق آنها، فقط بر جوانب کلی زندگی ملتها آگاهی می یابیم و نه بر جزئیات آن (ضیف، ۲۰۰۱: ۲۵۱).

### نتیجه

مواردی که به اختصار ذکر شد از جمله مشهورترین منظومات عصر عباسی است که ارتباط علم و شعر را در این دوران به صورت روشن نشان می دهد. با دقت در این منظومات می توان بخوبی بارقه های شکوفایی شعر تعلیمی را نسبت به دوران گذشته ادبیات عربی مشاهده کرد. در تمامی نمونه های ذکر شده می توان وجوه مشترکی را دید که آشکارا ساختار تألیف کتابهای علمی را از خاطر می گذراند و از آن جمله است: آغاز سخن با حمد و ثنای الهی، درود و سلام بر پیامبر مکرم اسلام (ص)، ذکر مقدمه ای مرتبط با موضوع اصلی، به کارگیری اسلوبی عالمانه در بیان مطالب، تکیه بر اسناد در منظومات تاریخی و مشابه آن.

### یادداشتها

۱- واژه «متن» در لغت به معانی متعددی به کار رفته است: - سوگند، ازدواج، شلاق زدن، رفتن، کشیدن، زمین سخت و بلند، مرد نیرومند و لفظ (ابن منظور، بی تا: ۶/۱۳۰۶) که معنای مورد نظر، همان معنای اخیر است. «متن» در اصطلاح به معنای «اصول اولیه و مبادی یک فن است که غالباً در رساله های کوچک تألیف گردیده و از هر آنچه موجب تفصیل می شود، مانند ذکر شاهد مثالهای متعدد خالی است مگر در حد ضرورت» (الأسعد، ۱۴۱۵: ۴۳۰) و یا: «کتاب اصلی است که در آن اصول مسائل نوشته می شود و مقابل آن «شرح» است» (المحبی، ۱۹۹۴: ۲/۲۲۲). دامنه موضوعی «متون»، بسیار گسترده و شامل علوم مختلفی مانند قرآن و حدیث و نحو و لغت و بلاغت و عروض و طب و ریاضی و... است که در مجموعهات خاصی مثل «مجموعه المتون فیما یذکر من الفنون» و یا «مجموع المتون الکبیر» گرد آمده است (سرکیس، ۱۹۲۸: ۲/۱۹۸۷-۱۹۸۸) اما کسانی مانند ابن خلدون (ف ۸۰۸هـ)، متون را محل بلاغت و دشوار برای فهم و باعث فساد تعلیم و تحصیل می دانند و آن را نکوهش کرده اند (ابن خلدون، ۲۰۰۱: ۱/۷۳۳).

۲- هزیود در منظومه «الأعمال و الأيام» (Works and Days) از اخلاق، عدالت، قناعت، حقایق تاریخی، فصلهای سال و زندگی روستایی، موسمهای زراعت و انواع محصولات کشاورزی سخن می گوید و هم چنین موضوع قصیده «أنساب الآلهه» (Theogony) وی -آن چنانکه از عنوان قصیده مشخص است- خدایان یونانی و انساب و شرح حالشان است (وافی، ۱۹۷۹: ۹۹).

۳- موضوع قصیده «طبیعه الأشياء» (De Rerum Natura) اندیشه های فلسفی و قصیده «فن الشعر» قواعد شعر و نقد آن است (ضیف، ۲۰۰۳: ۱۸۹).

۴- ابان بن عبد الحمید لاحقی (ف ۲۰۰هـ)، شاعر پرگویی عصر عباسی از اولین کسانی است که در فن شعر تعلیمی برجسته شد و بسیاری از کتابهای فارسی را در کنار کتابهای ملتهای دیگر در قالب شعر به عربی برگرداند (الصولی، ۱۹۸۲: ۱/۱-۲؛ ابن المعتز، ۲۰۰۲: ۲۲۰؛ الجهشیری، ۱۹۳۸: ۲۱۱). او منظوماتی در تاریخ و فقه و قصص دارد و ارجوزه ای که در روزه و زکات سروده است (الصولی، ۱۹۸۲: ۵۱/۱-۵۲). مهمترین اثر او، نظم کتاب «کلیله و دمنه» در پنج هزار بیت (ابن المعتز، ۲۰۰۲: ۲۲۰) و به روایتی چهارده هزار بیت (الجهشیری، ۱۹۳۸: ۲۱۱) است که جزء اندکی از ابیات آن باقی نمانده و آن را صولی در «الأوراق» آورده است (الصولی، ۱۹۸۲: ۴۶/۱-۵۰).

هذا کتابُ أدبٍ و محنه  
وهو الذی یدعی کلیله دمنه  
فیه دلالات و فیه رشد  
وهو کتاب و ضعته الهند  
فوصفوا آداب کل عالم  
حکایه عن السن البهائم  
فالحکماء یعرفون فضله  
والسخفاء یشتھون هزله...<sup>1</sup>

۵- شعری که بر وزن رجز سروده می شود ارجوزه (ج اراجیز) و سراینده آن را «راجز» (ج رجاز) می گویند. رجز بحری است از بحور شانزده گانه شعری که بر وزن «مستفعلن» است. این بحر سابقه ای دیرینه نزد عرب دارد و اغراض آن همانند اغراض معروف شعری است (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۳۱۰). وزن اغلب منظومه ها رجز است؛ زیرا این وزن به آسانی به

<sup>1</sup> - این کتاب ادب و فن است که کلیله و دمنه نامیده می شود. در آن راهنماییها و اسباب رشد است و آن کتاب نگاشته شده توسط هندیان است. آداب هر عالمی را به صورت حکایتی از زبان حیوانات وصف کردند. حکیمان به فضل آن آگاهند و انسانهای فرومایه، خواهان سبک کردن آنند.

ذهن سپرده می شود و آسانتر می توان مطالب را در قالب این وزن در آورد و جوازات در آن فراوان است. به دلیلی این جوازات و نزدیکی آن به نثر، برخی این بحر را (حمار الشعر) نامیده اند؛ سلیمان بستانی در این زمینه می گوید: "مناسبت بود آن را (عالم الشعر) می نامیدند، زیرا نظم آن آسان است و تمام علمایی که متون علمی مانند نحو، فقه، منطق و طب را به نظم در آورده اند، این بحر را اختیار نموده اند" (عاصی و یعقوب، ۱۹۸۷: ۲۹۷).

۶- خالد بن یزید در این منظومه، چگونگی روش تبدیل فلز بی ارزش را به جواهر بیان

می کند (المسعودی، ۱۹۴۸: ۲۵۸/۴):

خذ الطَّلَقَ مع الأَشَقِّ      ما يوجد في الطرق  
و شيئاً يشبه البرقا      فدبّره بلا حرق...<sup>۱</sup>

۷- اگر عصر عباسی را به چهار دوره تقسیم کنیم، باید بگوییم که نظم علوم در سه دوره اول، تقریباً منحصر در نظم تواریخ و ادب است؛ اما در عصر عباسی چهارم (۴۴۷-۶۵۶هـ) احوال شعرا و علما از آنچه بر آن بودند تغییر می کند و طبع آنان به نظم علوم شرعی نیز گرایش می یابد؛ به عنوان مثال می توان به طولانی ترین این منظومات شرعی، یعنی منظومه ابن عبد القوی (ف ۶۹۹هـ) با عنوان «عقد الفرائد و كنز الفوائد» که نظمی است بر «المقنع» ابن قدامه (ف ۶۲۰هـ) در دوازده هزار بیت و بیان کننده فقه حنبلیهاست، اشاره کرد (الصفدی، ۲۰۰۰: ۲۲۸/۳؛ الزرکلی، ۲۰۰۲: ۲۱۴/۶) و نیز منظومه «النویه» یا «الکافیة الشافیة لإنتصار الفرقه الناجیه» ابن قیم جوزیه (ف ۷۵۱هـ)، در شش هزار بیت که تقریباً شامل تمامی احکام اسلام است را نام برد (حاجی خلیفه، بی تا: ۱۳۶۹/۲).

۸- از جمله منظومات سید حمیری، قصیده ای است که وی در ذکر اخبار و مناقب حسین (ع) به رشته نظم در آورده است. روایت شده است وی از محدثی شنید که پیامبر (ص) در حالی که در سجده بودند، حسن و حسین (ع) بر پشت آن حضرت سوار شدند. عمر بن خطاب با دیدن این منظره گفت: چه نیکو مرکبی است مرکب شما! سپس پیامبر (ص) فرمودند: و چه نیکو سوارانی هستند این دو! سید حمیری (ف ۱۷۳هـ) پس از شنیدن این روایت منظومه ای با این مضمون سرود (الإصفهانی، ۱۹۵۶: ۲۵۱/۵):

<sup>۱</sup> - تلک (نام یک جسم معدنی) را با اشق یکباره با هم در آمیز و چیزی را که شبیه برق است؛ پس آن را بدون حرارت و آتش تدبیر کن.



أتی حسنا و الحسين النبی وقد جلسا حجره یلعبان  
فغدّاهما، ثم حیّاهما و كانا لديه بذاک المكان  
فراحا و تحتهما عاتقاه فنعم المطیه و الراكبان...<sup>۱</sup>

۹- اصطلاح «منظومه»، که بر مجموعه ابیات منظوم در علم یا علوم مشخصی اطلاق می شود از عناوینی مانند «قصیده»، «ارجوزه»، «الفیه»، «میمیه یا لامیه و...» صحیحتر است؛ زیرا اگر «قصیده» گفته شود، برخی از شروط شعر یعنی خیال و عاطفه را ندارد و اگر «ارجوزه» گویند، ممکن است در بحری غیر بحر رجز سروده شده باشد و اگر «الفیه» بر آن اطلاق شود، ممکن است کمتر یا بیشتر از هزار بیت باشد و یا اگر بر حسب حرف روی نامگذاری شود، شاید آن نظم دارای حروف روی متفاوت باشد.

۱۰- عده ای این قصیده را منسوب به ابوالعتاهیه (ف ۲۱۱هـ) می دانند، ولی این انتساب صحیح نیست (الإصفهانی، ۱۹۵۶: ۷۳/۲۰).

۱۱- وی در این منظومه، که بالغ بر چهار هزار بیت است، عقاید فرقه های اباضیه و رافضیه و حشویه را نکوهش می کند و عقاید معتزله را می ستاید (الجاحظ، ۱۹۶۷: ۶/۲۸۴-۲۹۱).

۱۲- اسلوب تألیف منظومه ها به اسلوب تألیف کتابهای علمی بسیار نزدیک است و بر ساختار آن کتابها از حیث مقدمه و موضوع اصلی و پایان، بنا شده و از همین روست که ابن سینا بیت آغازین منظومه اش را با سپاس الهی و درود بر پیامبر (ص) شروع می کند و نظمش را با مضمون «ختم الکتاب» به پایان می رساند (ابن سینا، ۱۴۰۵: ۱۸).

۱۳- از دیگر پزشکان، که صاحب اراجیز پزشکی عربی است، می توان به ارجوزه های این افراد اشاره کرد: ابن طفیل (پزشکی)، ابن عزرون (انواع تب)، محمود شیبانی (حجامت)، مفضل بن ماجد (پزشکی)، محمد بن عباس (پادزهر)، احمد بن حسن خطاب (پزشکی)، خضر بن علی (پزشکی)، لسان الدین بن خطیب (خوراکها و پادزهر)، ولید بن شحنه (پزشکی)، محمد بن قبرقماس (درخت بلادُر)، منصور بن عبد الرحمن (حفظ

<sup>۱</sup> - امام حسن و حسین (ع) نزد پیامبر (ص) آمدند و در حجره ای مشغول بازی شدند در حالی که در آن مکان بودند، پیامبر (ص) به آنان (ع) ناهار داد و آنان را نزد خود نگاه داشت. سپس حرکت کردند در حالی که زیر آن دو بزرگوار، شانه های پیامبر بود (آنان را بر دوشش نهاده بود)؛ پس چه نیکو مرکب و چه نیکو سوارانی هستند.

سلامتی)، محمد بن ابراهیم (نظم کتاب "براء الساعه" رازی)، داود بن انطاکی (ألفیه پزشکی)، علی بن عبد الواحد سلجمانی (پزشکی)، علی بن طحان ازهری (پزشکی)، شمس الدین محمد بن مکی (رگهای حجامت شده) و...

۱۴- در اینجا می توان به دیگر شاعران این عصر از قبیل ابویعقوب خریمی (ف ۲۱۲هـ) (ابن قتیبه، ۱۹۱۷: ۸۵۵/۲)، و ابن رومی (ف ۲۸۳هـ) (ابن الرومی، ۱۹۹۸: ۳۲۵/۶) که اوضاع نابسامان دوره عباسی و فتنه ها و آشوبهای بغداد و بصره را به تصویر کشیده اند نیز اشاره ای کرد (علی محمد، ۱۴۱۷).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

- ١- ابن ابي اصيبعة، احمد بن ابي القاسم الخزر جي. (بي تا). **عيون الأنباء في طبقات الأطباء**. شرح و تحقيق: نزار رضا. بيروت: دار مكتبة الحياة.
- ٢- ابن الأثير، علي بن محمد. (١٩٨٧). **الكامل في التاريخ**. راجعه و صحّحه: محمد يوسف الدقاق. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ٣- ابن الجراح، محمد بن داود. (بي تا). **الورقه**. تحقيق: عبدالوهاب عزام، و عبدالستار أحمد فراج. مصر: دار المعارف. الطبعة الثانية.
- ٤- ابن الجهم، علي. (بي تا). **ديوان**. تحقيق: خليل مردم بك. بيروت: لجنة التراث العربي. الطبعة الثانية.
- ٥- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد. (٢٠٠١). **تاريخ**. مراجعه: سهيل زكار. بيروت: دارالفكر.
- ٦- ابن الرومي، علي بن العباس. (١٩٩٨). **ديوان**. شرح: أسامه حيدر. بيروت: دارالجيل.
- ٧- ابن سينا، الحسين بن علي. (١٤٠٥). **منطق المشركين و القصيده المزدوجه في المنطق**. قم: منشورات مكتبة آيه الله المرعشي. مطبعة الولاية. الطبعة الثانية.
- ٨- ابن العماد الحنبلي، عبد الحى بن أحمد. (١٩٨٩). **شذرات الذهب في أخبار من ذهب**. حققه و علق عليه: محمود الأرناؤوط. بيروت: دار ابن كثير.
- ٩- ابن قتيبه، عبد الله بن مسلم. (١٩١٧). **الشعر و الشعراء**. تحقيق: أحمد محمد شاكر. القاهرة.
- ١٠- ابن المعتز، عبدالله. (١٩٦١). **ديوان**. بيروت: دار صادر.
- ١١- ----- (٢٠٠٢). **طبقات الشعراء**. قدم له و شرحه: صلاح الدين الهوارى. بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- ١٢- ابن منظور، جمال الدين بن مكرم. (بي تا). **لسان العرب**. القاهرة: دار المعارف.
- ١٣- ابن النديم، محمد بن إسحاق. (بي تا). **الفهرست**. تحقيق: رضا تجدد.
- ١٤- الأسعد، عبد الكريم. (١٤١٥). **مقالات منتخبه في علوم اللغة**. الرياض: دار المعراج الدولي.

- ١٥- إسماعیل، عز الدین. (١٩٧٥). **فی الأدب العباسی (الرؤیه و الفن)**. بیروت: دار النهضه العربیه.
- ١٦- الإصفهانی، أبو الفرج. (١٩٥٦). **الأغانی**. بیروت: دار الثقافه. الطبعة الثانيه.
- ١٧- أمين، أحمد. (١٩٩٧). **ضحی الإسلام**. مصر: مكتبه الأسره.
- ١٨- ----- (١٩٦٩). **ظهر الإسلام**. بیروت: دار الكتاب العربی. الطبعة الخامسة.
- ١٩- البابا، محمد زهير. (١٩٨٤). **من مؤلفات ابن سینا الطیبه**. منشورات جامعه حلب.
- ٢٠- الجاحظ، عمرو بن بحر. (١٩٦٧). **الحيوان**. شرح و تحقيق: عبدالسلام محمد هارون. مصر: مكتبه الجاحظ. الطبعة الثانيه.
- ٢١- الجهشياری، محمد بن عبدوس. (١٩٣٨). **الوزراء و الكتاب**. حققه و وضع فهارسه: مصطفى السقا، و ابراهيم الأبياری، و عبدالحفيظ شليبي. القاهره: مطبعه مصطفى البايي الحلبي و أولاده.
- ٢٢- الجوارى، أحمد عبد الستار. (٢٠٠٦). **الشعر في بغداد حتى نهايه القرن الثالث الهجري**. بیروت: المؤسسه العربيه للدراسات والنشر.
- ٢٣- حاجي خليفه، مصطفى بن عبد الله. (بی تا). **كشف الظنون عن أسامی الكتب و الفنون**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ٢٤- حسين، طه. (١٩٧٥). **من حديث الشعر و النثر**. مصر: دار المعارف. ط ١١.
- ٢٥- ----- (١٩٧٤). **حديث الأربعاء**. مصر: دار المعارف. ط ١١.
- ٢٦- الحصرى، إبراهيم بن على. (١٩٥٣). **زهر الآداب و ثمر الألباب**. حققه و ضبطه و شرحه: على محمد البجاوى. القاهره: دار إحياء الكتب العربيه.
- ٢٧- الحموى، ياقوت بن عبد الله. (١٩٣٦). **معجم الأدباء**. راجعته: وزاره المعارف العموميه. مصر: مطبوعات دار المأمون. الطبعة الأخيره.
- ٢٨- الخطيب البغدادي، أحمد بن على. (١٩٩٧). **تاريخ بغداد**. دراسه و تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا. بیروت: دار الكتب العلميه.
- ٢٩- الروبي، أبو شادي. (١٩٦٨). **الأرجوزه في الطب لابن سینا**. القاهره: المجمع المصرى للثقافه العلميه.

- ٣٠- الزركلى، خير الدين.(٢٠٠٢). **الأعلام**. بيروت: دار العلم للملايين. الطبعة الخامسة عشره.
- ٣١- سر كيس، يوسف اليان.(١٩٢٨). **معجم المطبوعات العربية و المعر به**. مصر: مطبعه سر كيس.
- ٣٢- السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر.(١٣٦١). **الأشباة و النظائر فى النحو**. حيدرآباد.
- ٣٣- -----.(١٩٦٤). **بغية الوعاة فى طبقات اللغويين و النحاه**. تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم. القاهرة: دار إحياء الكتب العربية.
- ٣٤- الصفدى، خليل بن أيبك.(٢٠٠٠). **الوافى بالوفيات**. تحقيق: أحمد الأرنؤوط و تزكى مصطفى. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ٣٥- ضيف، شوقى.(١٩٧٨). **التطور و التجديد فى الشعر الأموى**. مصر: دار المعارف. ط ١٠.
- ٣٦- -----.(٢٠٠٣). **العصر الجاهلى**. مصر: دار المعارف. الطبعة الرابعة و العشرون.
- ٣٧- -----.(٢٠٠٤). **العصر العباسى الأول**. مصر: دار المعارف. الطبعة السادسة عشره.
- ٣٨- -----.(٢٠٠١). **العصر العباسى الثانى**. مصر: دار المعارف. الطبعة الثانيه عشره.
- ٣٩- الطناحى، محمود محمد.(٢٠٠٢). **فى اللغة و الأدب دراسات و بحوث**. دار الغرب الإسلامى.
- ٤٠- عاصى، ميشال، و اميل بديع يعقوب.(١٩٨٧). **المعجم المفصل فى اللغة و الأدب**. بيروت: دار العلم للملايين.
- ٤١- على محمد، أحمد.(١٤١٧). «**تمثل الروح العلميه فى المنظومات القديمه**». مجله الأدب الإسلامى. العدد ١٤.
- ٤٢- الفاخورى، حنا.(١٣٨٣). **تاريخ الأدب العربى**. تهران: توس. الطبعة الثالثه.

- ۴۳- الفراهیدی، الخلیل بن أحمد. (۲۰۰۰). **المنظومه النحویه**. درسها و حققها: أحمد عیفی. عمان: وزاره التراث القومي والثقافه العمانيه.
- ۴۴- فهیم، حسین. (۱۹۸۶). **قصه الأثرولوجيا (فصول فی تاریخ علم الإنسان)**. الكويت: المجلس الوطني.
- ۴۵- فیصل، شكري. (بی تا). **مناهج الدراسه الأدبیه فی الأدب العربی (عرض، و نقد، و اقتراح)**. مصر: مكتبه الخانجي.
- ۴۶- المحبی، محمد الأمين بن فضل الله. (۱۹۹۴). **قصد السبیل فیما فی اللغه العربیه من الدخیل**. تحقیق و شرح: عثمان محمود الصینی. الرياض: مكتبه التوبه.
- ۴۷- المسعودی، علی بن الحسین. (۱۹۴۸). **مروج الذهب و معادن الجوهر**. تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید. مصر: مطبعه السعاده. الطبعة الثانيه.
- ۴۸- نور الدین، حسن محمد. (۱۹۹۰). **علی بن الجهم (حیاته و أغراضه الشعریه)**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۴۹- هداره، محمد مصطفی. (۱۹۷۰). **اتجاهات الشعر العربی فی القرن الثاني الهجری**. مصر: دار المعارف. الطبعة الثانيه.
- ۵۰- وافی، علی عبد الواحد. (۱۹۷۹). **الأدب اليونانی القديم**. مصر: نهضة مصر للطباعه و النشر.
- ۵۱- یعقوب، امیل بدیع. (۱۴۱۱). **المعجم المفصل فی علم العروض والقافیه وفنون الشعر**. بیروت: دارالکتب العلمیه.